درمکتب امام

ارزش خدمت به مردم

ارزش آقای رجایی، ارزش آقای باهنر، ارزش آقای بهشتی و ارزش این ائمه جمعه مظلوم ما به این نبود که یک- مثلاً- دستگاهی دارد، ارزششان به این بود که «خودی» بودند، با مردم بودند، برای مردم خدمت می کردند، مردم احساس کرده بودند که اینها برای آنها دارند خدمت می کنند ولهذا آن همه تبلیغاتی که با دست‌های فاسد بر ضد مرحوم بهشتی -بالخصوص- آنقدر کارها کردند و نسبت به مرحوم رجایی هم، آن آدم فاسد آنقدر پافشاری کرد و اذیت کرد، مردم اعتنایی هیچ به او نکردند.

صحیفه امام؛ ج۱۶؛ ص۴۴۹ | جماران؛ ۷ شهریور ۱۳۶۱

قالیباف در پاسخ به ادعاهای وزیر خزانه‌داری آمریکا:

به بازده اوراق خزانه‌داری آمریکا نگاه کن که آتش گرفته و بالاتر می‌رود

رئیس مجلس در پاسخ به ادعای وزیر خزانه‌داری آمریکا با بازنشر مقاله‌ای از یک اقتصاددان نوشت: ای دروغگو! به بازده اوراق خزانه‌داری دولت آمریکا نگاه کن که آتش گرفته و دارد بالا و بالاتر می‌رود.

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس در پاسخ به ادعاهای وزیر خزانه‌داری آمریکا، مقاله‌ای از «پل کروگمن» نوبلیست اقتصاد را بازنشر کرد.

این اقتصاددان در آن مقاله، دروغگو بودن بسنت و شکست خوردن مطلق وی در مدیریت بازارها را شرح داده و از کنترل خارج شدن بازار اوراق بدهی دولت آمریکا به عنوان سند شکست مطلق سیاست دروغگویی بسنت یاد کرده بود.

قالیباف در ادامه با تمسخر ادعای بسنت در مورد عبور ۱۳۰ میلیون بشکه نفت از هرمز طی دو هفته، نوشت: ۱۳۰های واقعی، ۱۳۰ میلیارد دلار هزینه‌های جنگ با ایران (به نقل از شرکت مؤدی آنالیتیکس)، یا ۱۳۰ میلیون دلار ضرر برای شرکتی است که به طور مخفیانه به نیابت از دولت آمریکا در بازارهای کاغذی نفت مداخله کرده و ایران از آن اطلاع پیدا کرده است.

قالیباف در ادامه با خطاب قرار دادن بسنت، تاکید کرد: ای دروغگو! به بازده اوراق خزانه‌داری دولت آمریکا نگاه کن که آتش گرفته و دارد بالا و بالاتر می‌رود.

ثمره وحدت، چشاندن طعم شکست به دشمن بود

خبر دیگر اینکه، رئیس‌مجلس شورای اسلامی در پیامی به مناسبت هفته وحدت تاکید کرد: نشانه‌های بیداری را می‌توان در شکل‌گیری پیمان‌ها، همکاری‌ها و ترتیبات جدید منطقه‌ای مشاهده کرد. پیمان‌ها و ترتیبات جدید منطقه‌ای می‌تواند نویدبخش آغاز مرحله‌ای تازه باشد که همسایگان مسلمان به جای بیگانگان بر ظرفیت‌های خود تکیه کنند.

به گزارش مهر، متن پیام قالیباف به این شرح است:

«هفته وحدت، یادآور حقیقتی بزرگ و راهبردی در جهان اسلام است؛ حقیقتی که از میلاد سراسر نور و رحمت حضرت ختمی‌مرتبت، محمد مصطفی صلی‌الله علیه و آله و سلم سرچشمه می‌گیرد؛ پیامبری که آمد تا انسان‌ها را از تفرقه به توحید، از دشمنی به برادری و از جهل و پراکندگی به آگاهی و همبستگی فرا بخواند.

شیعه و سنی در ایران، پیش از آنکه در یک مذهب متفاوت باشند، در دو حقیقت مشترک هستند، اول این‌که همه دل در گرو محبت رسول خدا(ص) و اهل‌بیت گرانقدر ایشان دارند و دوم آن‌که همه خود را ایرانی می‌دانند. ایران اسلامی، سرزمین همزیستی برادرانه اقوام و مذاهب است امروز وحدت شیعه و سنی در ایران، نه یک شعار مناسبتی، بلکه یکی از پایه‌های اقتدار ملی و یکی از سرمایه‌های بزرگ امنیت و پیشرفت کشور است که نمونه بارز تحقق آن در جنگ‌های تحمیلی اول و دوم و سوم و ایستادگی همه مذاهب و ادیان در چارچوب ایران عزیز در مقابل دشمن بیگانه و خونخوار بود. جهان اسلام نیز امروز در برابر یک انتخاب تاریخی قرار گرفته است.

تحولات سال‌های اخیر در منطقه نشان داده است که ملت‌ها و دولت‌های مسلمان، بیش از گذشته به این حقیقت پی برده‌اند که قدرت‌های بیگانه و دشمنان اسلام، نه قادرند برای ملت‌های منطقه امنیت پایدار فراهم کنند و نه اساساً اراده‌ای برای تحقق چنین امنیتی دارند. امنیتی که بر حضور و دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای بنا شود، امنیتی شکننده و وابسته است، اما امنیتی که بر اراده ملت‌های مسلمان و همکاری برادرانه کشورهای منطقه استوار باشد، می‌تواند پایدار، عزتمند و ماندگار باشد.

امروز نشانه‌های این بیداری را می‌توان در شکل‌گیری پیمان‌ها، همکاری‌ها و ترتیبات جدید منطقه‌ای مشاهده کرد. پیمانها و ترتیبات جدید منطقه‌ای می‌تواند نویدبخش آغاز مرحله‌ای تازه باشد که همسایگان مسلمان به جای بیگانگان بر ظرفیت‌های خود تکیه کنند و به جای رقابت‌های فرساینده، مسیر همکاری و برادری را برگزینند. ثمره وحدت بین مسلمانان به ویژه در تحولات اخیر، چشاندن طعم شکست به دشمن و پیروزی‌های پی‌درپی با عقب راندن استکبار از مواضع و رویاپردازی‌های خود بود.

با گرامیداشت فرخنده میلاد حضرت رسول اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و امام جعفر صادق(علیه‌السلام)، هفته وحدت را به همه ملت بزرگ ایران، برادران و خواهران اهل سنت و شیعه، و به همه مسلمانان جهان تبریک و تهنیت عرض می‌کنم.

امید آنکه به برکت میلاد پیامبر رحمت(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، جهان اسلام بیش از گذشته به حقیقت مشترک خویش بازگردد، دست‌های برادری میان ملت‌های مسلمان فشرده‌تر شود و منطقه ما شاهد طلوع عصری نوین از وحدت، استقلال، امنیت و عزت اسلامی باشد؛ عصری که در آن، سرنوشت مسلمانان به دست خود آنان رقم بخورد و هیچ قدرت بیگانه‌ای نتواند میان برادران مسلمان دیوار جدایی بنا کند.

محمدباقر قالیباف
رئیس مجلس شورای اسلامی».

مقاله وارده

اظهار ضعف در رویکرد جامعه‌شناسی سیاسی

بقیه از صفحه ۳

می‌توان این وضعیت را به شکل زیر نشان داد: تهدید خارجی + بی‌اعتمادی داخلی = افزایش آسیب‌پذیری

اما:

تهدید خارجی + اعتماد اجتماعی + انسجام = افزایش تاب‌آوری

به همین دلیل، امنیت ملی فقط مسئله مرزها نیست.

امنیت ملی در داخل جامعه نیز ساخته می‌شود.

مبانی دینی گفتمان امنیت و نهی از انفعال در برابر دشمن، نه یک توصیه اخلاقی، بلکه یک راهبرد جامعه‌شناختی برای حفظ انسجام جامعه اسلامی است. این گفتمان بر این اصل استوار است که هرگونه ذلت‌پذیری، تصویر «ما» در برابر «دشمن» را مخدوش کرده و همبستگی گروهی را از بین می‌برد. از منظر کارل اشمیت، متفکر آلمانی، بقای هر نظامی به توانایی آن در تشخیص «دوست» از «دشمن» و مدیریت این دوگانگی بستگی دارد. قرآن با تعریف روشن از مرزهای ایمان و کفر، در واقع به‌مثابه یک «جامعه‌شناس سیاسی» در این حوزه عمل کرده و به‌عنوان مانیفست حکمرانی امنیتی بیان می‌دارد که هرگونه ابهام در مرزهای هویتی، جامعه را به سمت آنومی (بی‌هنجاری) و فروپاشی سوق می‌دهد.

در نظریه امنیت اجتماعی، موضوع فقط بقای دولت نیست؛ بلکه بقای هویت و انسجام جامعه نیز اهمیت پیدا می‌کند. نقش هویت و انسجام جمعی در تحقق امنیت اجتماعی را نباید بی‌اهمیت تلقی کرد.

از این منظر، اظهار ضعف اگر به شکل گسترده موجب شود مردم به این باور برسند که:

«ما نمی‌توانیم از هویت و منافع خود دفاع کنیم»، می‌تواند پیامد هویتی داشته باشد. در مقابل، اگر پیام سیاسی این باشد:

«تهدید واقعی است؛ محدودیت‌هایی داریم؛ اما ظرفیت اصلاح و مقاومت نیز داریم»؛ پیام متفاوتی تولید می‌شود.

پیام دوم نه انکار تهدید است و نه تسلیم در برابر آن.

امنیت هستی‌شناختی؛ واقعه طائف و مدیریت بحران

ماجرای طائف در تاریخ اسلام، از منظر جامعه‌شناسی امنیتی، مطالعه‌ای جذاب در باب مدیریت بحران و هویت‌سازی است. زمانی که پیامبر(ص) پس از شکست در طائف، دعای «خدایا، از ضعف نیرو به تو شکایت می‌برم» را زمزمه می‌کنند، این اظهار عجز در برابر خالق است، نه در برابر دشمن. در علوم سیاسی، این رفتار را می‌توان نوعی «امنیت‌بخشی به بحران» (Securitization of Crisis) نامید که در آن، تهدید از سطحی فیزیکی به سطحی هستی‌شناختی ارتقا می‌یابد و برای مدیریت آن، به جای تکیه بر نیروهای مادی، به سرمایه معنوی و همبستگی درونی متوسل می‌شود.

مطالعات جدید درباره جنگ‌های نامتقارن نشان می‌دهد که گروه‌های حاشیه‌نشین و اقلیت‌های مذهبی، برای بقای خود، ناگزیر به اتکا بر تعلقات هویتی و شبکه‌های اجتماعی می‌شوند. در واقعه طائف، پیامبر(ص) با بهره‌گیری از این اصل، ضعف فیزیکی خود را به یک فرصت هویتی برای مسلمانان تبدیل کردند تا آنان بدانند که تکیه‌گاه اصلی، قدرت نظامی نیست، بلکه اتکا به خدا و انسجام ایمانی است. این رویکرد، در جامعه‌شناسی سیاسی معاصر با عنوان تاب‌آوری اجتماعی (Social Resilience) شناخته می‌شود که در آن، جوامع با تکیه بر سرمایه‌های نمادین و هویتی خود، در مقابل تهدیدات ایستادگی می‌کنند.

گزارش روز صد و هشتاد و چهارم جنگ

بدهی انباشته و ذخایر خالی آمریکا گردابی برای وزیر بی‌کفایت خزانه‌داری

ترامپ و دولتمردانش دائماً ادعا می‌کنند در جنگ پیروز شده‌اند و بحران‌های ناشی از آن تحت کنترل است، اما هیچ‌کس در آمریکا ادعاهای آنها را باور نمی‌کند. برعکس، آمار و اخبار و گزارش‌های مختلف از سوی تحلیلگرانی متنوع، از وخامت شرایط برای دولت ترامپ حکایت می‌کند.

ترامپ کلافه است؛
کاخ سفید دیگر محیط شادی نیست

در حالی که دو ماه تا انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا باقی مانده، مگی هابرمن، خبرنگار نیویورک‌تایمز از نگرانی‌های ترامپ بابت این جنگ سخن گفت. او در مصاحبه‌ای به شبکه سی‌ان‌ان گفت: بر اساس تمام گزارش‌هایی که ما داریم، اینجا (کاخ سفید) محیط شادی نیست. رئیس‌جمهور مدتی است درباره ایران روحیه‌ای بسیار کلافه و ناراضی دارد؛ و البته، خودش این وضعیت را به وجود آورده است. او برای دیپلماسی بلندمدت یا گفت‌وگوهای طولانی برای تلاش جهت خارج شدن از یک وضعیت، صبر و حوصله ندارد. ترامپ تصور می‌کرد جنگ خیلی زود به پایان خواهد رسید، اما این‌طور نشد.

وضعیت مضحکه و مخمصه‌گونه ترامپ

فواز جرجس، استاد روابط بین‌الملل در مدرسه اقتصاد لندن (LSE)، در گفت‌وگویی تأکید کرد: ایران اجازه نمی‌دهد ترامپ از باتلاقی که توی آن افتاده خلاص شود. ترامپ برخلاف عقل سلیم اول به ایران حمله نظامی کرد و نتیجه نگرفت، بعد آن را تبدیل کرد به جنگ اقتصادی که اجماع کارشناسان این است که نتیجه نمی‌گیرد.

مجری از جرجس پرسید: روز عجیبی است؛ شش ماه از جنگ گذشته، چه کسی فکرش را می‌کرد؟ به نظر می‌رسد آمریکا از سبک نظامی جنگ به تکنیک اقتصادی روی آورده است. آدم تعجب می‌کند چرا شاید این کار را زودتر نکردند. و اگر این فشار اقتصادی را زودتر اعمال کرده بودند، آیا آتش‌بس زودتر می‌دیدیم؟

فواز جرجس در پاسخ گفت: اینجاست که طنز ماجرا مشخص می‌شود. معمولاً اول با تحریم‌های اقتصادی و فشار اقتصادی شروع می‌کنید و بعد به خصومت نظامی تشدید می‌کنید. این تفکر راهبردی عقل سلیم است. کاری که رئیس‌جمهور ترامپ کرده، عکس این است. او جنگ یک‌جانبه علیه ایران اعلام کرد و حالا که نتوانسته اهداف اصلی‌اش را محقق کند، به جنگ اقتصادی روی آورده است. در میان کسانی که ایران را می‌شناسند، یعنی تقریباً اجماع نسبی حتی میان استراتژیست‌ها وجود دارد که این سیاست تحریم اقتصادی یا جنگ اقتصادی، اثر مطلوب را نخواهد داشت. در واقع ترامپ در دوره اول ریاستش، حداکثر فشار اقتصادی را علیه ایران اعلام کرد که همین کار فعلی است. آنچه واقعاً می‌بینیم این است که دارند استراتژی‌ای را امتحان می‌کنند که قبلاً امتحان شده و شکست خورده است. و دلیلش این است که فکر می‌کنم رئیس‌جمهور ترامپ خود را در بن‌بست راهبردی می‌بیند. او راه فرار می‌خواهد و هیچ راه فراری وجود ندارد، چون ایران اجازه نمی‌دهد از این باتلاق خاصی که در آن گیر کرده، راه خروجی داشته باشد.

یک شکست تمام‌عیار از جیب مردم آمریکا

بیل کریستول، رئیس دفتر پیشین معاون رئیس‌جمهور آمریکا گفت: این جنگ هم برای ایالات متحده و هم برای ترامپ یک شکست تمام‌عیار بوده است. بدترین حالت این است که یک قلدر ضعیف باشید و حالا ایالات متحده این‌طور می‌رسد؛ ما نمی‌توانیم ایران را شکست بدهیم.

هم‌زمان، شبکه فرانس۲۴ در تحلیلی گفت: پس از شش ماه جنگ، ایرانی‌ها متحد شده‌اند و برای رویارویی احتمالی طولانی‌مدت با آمریکا آماده‌اند. این وضعیت به‌کلی با امیدهای اولیه دونالد ترامپ، برای سرنگونی نظام ایران و ادعاهای بعدی او فاصله دارد. این جنگ تاکنون ۱.۱۰۰ دلار به ازای هر مالیات‌دهنده آمریکایی هزینه داشته است.

جی‌بی پریتزکر فرماندار ایلینوی هم با اعتراض به عملکرد ترامپ در جنگ گفت: قیمت بنزین بالاست. چرا؟ چون دونالد ترامپ ما را وارد جنگ کرد. گوشت، میوه، آبجو و خودرو، امروز گران‌تر از هر زمان دیگری هستند. چرا؟ چون ترامپ اصرار داشت تعرفه وضع کند و وارد جنگ‌های تجاری شود. کشاورزی و مزارع یکی پس از دیگری در حال ورشکستگی‌اند و کسب‌وکارهایی که به این مزارع وابسته‌اند، کارگران خود را تعدیل می‌کنند؛ چون رئیس‌جمهور ترامپ جنگ تجاری‌ای را آغاز کرد که هیچ هدف مهم‌تری جز چند حضور و اظهارنظر در شبکه‌های خبری کابلی نداشت.

همه‌پرسی قریب‌الوقوع درباره بی‌کفایتی ترامپ

استیو هانکه، استاد دانشگاه و اقتصاددان مشهور آمریکایی درباره وخامت شرایط اقتصادی گفته است: هم‌زمان با اینکه جنگ ترامپ علیه ایران، هزینه‌های گازوئیل و کود را به‌شدت افزایش داده، فدراسیون اداره کشاورزی آمریکا گزارش داده که کشاورزان آمریکایی تولیدکننده محصولات زراعی، امسال با ۳۱ میلیارد دلار ضرر روبه‌رو هستند. به همین دلیل است که کشاورزان در حال رویگردانی از ترامپ هستند. ترامپ مساوی‌ست با سقوط و ضرر.

سناتور کریس مورفی هم خطاب به مردم آمریکا می‌گوید: تنها دلیل سر به فلک کشیدن قیمت بنزین شما این است که رئیس‌جمهورتان جنگی را با ایران آغاز کرد که هیچ‌کس خواهان آن نبود. همچنین، او به هیچ‌وجه نمی‌توانست در آن پیروز شود. ماه نوامبر، همه‌پرسی‌ای درباره بی‌کفایتی او خواهد بود.

ناموس ترامپ در خطر است
و جمهوری‌خواهان، نگران!

خبرگزاری بلومبرگ گزارش داد: جمهوری‌خواهان کنگره آمریکا به‌دلیل تداوم جنگ علیه ایران، از ترامپ ناامید شده‌اند و درباره انتخابات میان‌دوره‌ای نوامبر نگران‌اند. پس از گذشت ۶ ماه از جنگ، نارضایتی از درگیری افزایش یافته و رأی‌دهندگان جمهوری‌خواه دلسرد شده‌اند. جمهوری‌خواهانی که ترامپ را با وعده مهار تورم و دور نگه داشتن آمریکا از درگیری‌های خارجی به کاخ سفید فرستادند، اکنون با افزایش قیمت بنزین و تورم، نگران کاهش محبوبیت او هستند. بسیاری از جمهوری‌خواهان هم از ترس خشم ترامپ این نگرانی‌ها را علنی نمی‌کنند.

بر اساس جدیدترین نظرسنجی‌ها و ۶۶ روز مانده تا انتخابات کنگره، شانس کسب اکثریت در مجلس نمایندگان، دموکرات‌ها ۸۴ درصد و جمهوری‌خواهان ۱۶ درصد شانس پیروزی دارند.

بلومبرگ در گزارش دیگری خاطرنشان کرد: رئیس فدرال رزرو آمریکا می‌گوید که تورم همچنان بیش‌ازحد بالاست و احتمالاً بانک مرکزی در ماه‌های آینده مجبور خواهد شد برای کاهش آن، نرخ بهره را افزایش دهد. حساب امریکن اکونومی نوشته است که «نرخ بهره ناموس ترامپ است» و افزایش آن یک عقب‌نشینی بزرگ از سوی او محسوب می‌شود. هم‌اکنون آمریکا تحت فشار شدید افزایش نرخ بهره اوراق قرضه خزانه‌داری قرار گرفته و سقوط ین در ژاپن نیز بر این فشار اضافه می‌کند. روند طی‌شده در حال حاضر مشابه اتفاقات پیش از بحران مالی بزرگ ۲۰۰۸ آمریکا است. ورود غیرمحاسبه‌شده آمریکا به جنگ ایران فشار اقتصادی بر پارامترهای اقتصاد کلان ایالات متحده را به‌طرز قابل‌توجهی افزایش داده است.

بنزین گران و ذخایر خالی‌شده آمریکا

در حالی که الجزیره می‌گوید «متوسط قیمت هر گالن بنزین در آمریکا از ۴ دلار فراتر رفته و ترامپ را تحت فشار قرار داده است»، بلومبرگ خبر داد: بنزین گران، ترامپ را پای میز پالایشگران کشاند. ترامپ ۱۰ شهریور با مدیران شرکت‌های پالایش نفت آمریکا دیدار خواهد کرد؛ نشستی که محور اصلی آن راه‌های کاهش قیمت بنزین است. افزایش بهای سوخت پس از جنگ با ایران، به یکی از چالش‌های سیاسی دولت ترامپ در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای تبدیل شده است. حالا فشار بازار انرژی، مستقیماً به یک مسئله انتخاباتی برای کاخ سفید تبدیل شده است.

الجزیره در گزارش دیگری خبر داد: میانگین عبور کشتی‌ها از تنگه هرمز، از ۱۰۰ فروند قبل از جنگ به ۷ فروند در روز رسیده است. ۵۹ درصد ذخایر استراتژیک آمریکا به دلیل بسته بودن تنگه هرمز خالی است.

ترامپ همچنان زیر فشار تنگه

روزنامه وال‌استریت ژورنال معتقد است شش ماه جنگ، موجب تغییر معادلات جهانی شده است: شش ماه پس از آغاز جنگ، تحولات این درگیری، انتظارات تحلیلگران را تغییر داده است. ترافیک کشتی‌ها در تنگه هرمز که پیش از جنگ به‌طور میانگین ۱۳۰ فروند در روز بود، اکنون در ماه اوت به ۱۵ فروند کاهش یافته است. این وضعیت افزون بر نوسان قیمت نفت، اهرم‌های فشار اقتصادی جدیدی را در جهان ایجاد کرد.

گزارش مؤسسه تانکر ترکرز می‌گوید: میانگین روزانه صادرات نفت خام از طریق تنگه هرمز طی هفت روز گذشته ۳.۸ میلیون بشکه در روز بوده است. در دوره اجرای تفاهم‌نامه (MoU) که عملاً تنها ۲۵ روز دوام داشت، این رقم ۹.۸ میلیون بشکه در روز بود.

خبرگزاری‌ها دیروز به نقل از نیروهای مسلح ایران خبر دادند که این نیروها از تاریخ ۳۱ مردادماه تاکنون، مانع عبور ۳۰ فروند شناور متخلف از تنگه هرمز را شده‌اند.

گردابی برای وزیر بی‌کفایت خزانه‌داری

اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا، در سایه فشار بدهی ۴۰ تریلیون دلاری و پیامدهای تحریم‌های ایران، با انتقادات تندی روبه‌رو است. روزنامه گاردین با انتشار این خبر نوشت: منتقدان، بسنت را به دلیل ناتوانی در مدیریت بازار اوراق قرضه و شکست در اجرای سیاست‌های اقتصادی ترامپ، «بی‌کفایت» می‌خوانند. ناظران معتقدند او در برابر چالش‌های پیچیده اقتصادی دولت و فشار ناشی از تحریم‌های ایران، به‌شدت ناتوان است. از سوی دیگر، برت اریکسون، مدیر ارشد در شرکت مشاوره ریسک Obsidian Risk Advisors، با انتقاد از بسنت نوشت: در یکی از شرم‌آورترین نمایش‌های TACO (ترسیدن و جا زدن و عقب‌نشینی کردن) در سراسر جنگ ایران، تهدیدهای اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا، مبنی بر اینکه واشنگتن علیه یک «مؤسسه مالی بزرگ» اقدام خواهد کرد، در نهایت چیزی جز یک TACO در ابعادی حماسی از آب درآمد. گزارش‌ها حاکی از آن است که آمریکا قرار است دسترسی شعبه اماراتی بانک مصر (Banque Misr)، دومین بانک بزرگ مصر، به دلار آمریکا و خدمات بانکداری کارگزاری را قطع کند. البته اینکه بگوییم «دومین بانک بزرگ مصر» خیلی بزرگ و جدی به نظر می‌رسد، اما نکته اینجاست که آمریکا حتی خود این بانک را تحریم نکرده است! این بانک همچنان از نظر قانونی می‌تواند به فعالیت تجاری خود ادامه دهد. دولت ترامپ در واقع فقط تسویه دلاری و دسترسی به خدمات بانکداری کارگزاری را برای یک شعبه خاص قطع کرده است! این شاید روشن‌ترین نشانه‌ای باشد که جهان می‌تواند دریافت کند مبنی بر اینکه هیچ امیدی به پیروزی آمریکا در جنگ ایران از طریق عملیات طردشدگی اقتصادی وجود ندارد. این مایه شرمساری است.

قلکِ پنتاگون شکسته، اما پنهان می‌کنند

در همین حال، روزنامه گاردین در گزارش دیگری، به بودجه رو به اتمام نیروی دریایی آمریکا پرداخت و نوشت: این جنگی است که قلکِ پنتاگون را شکست و بحرانی است که واشنگتن نمی‌خواهد از آن حرف بزند. دولت ترامپ برای ادامه عملیات، ۶۷ میلیارد دلار بودجه اضطراری درخواست کرده. آیا آمریکا حاضر است میلیاردها دلار دیگر برای جنگی هزینه کند که نه مجوز رسمی کنگره را دارد و نه پایان روشنی برایش متصور است؟ جنگ ترامپ با ایران، ارتش آمریکا را با بحران مالی شدید مواجه کرده است. طبق اسناد، نیروی دریایی آمریکا ناچار شده برای تأمین هزینه‌های عملیات رزمی، از بودجه حقوق کارکنان و سایر منابع مالی برداشت کند. این عملیات، ذخایر مهمات ارتش آمریکا را کاهش داده و حملات تلافی‌جویانه ایران هم پایگاه‌های راهبردی آمریکا در خاورمیانه را ویران کرده است؛ وضعیتی که فشاری مضاعف بر بودجه ارتش وارد می‌کند.

«هارلن اولمن» (افسر بازنشسته نیروی دریایی) می‌گوید: «قلکِ پنتاگون شکسته است.» ترامپ با به‌راه‌انداختن جنگ، بودجه ارتش را در فشار قرار داد؛ به‌ویژه بودجه نیروی دریایی. کار به جایی رسید که کاخ سفید از کنگره خواست برای تأمین هزینه جنگ، بودجه اضطراری اختصاص دهد. چشم‌انداز تصویب این درخواست با توجه به نامحبوب‌بودن جنگ غیرقانونی، امیدوارکننده نیست.

«تاد بریسون» (تحلیل‌گر دفاعی اندیشکده محافظه‌کار «امریکن اینترپرایز») می‌گوید: «موضوع کسری بودجه کاملاً روشن است، ولی اعلام نمی‌شود. فکر می‌کنم رهبران غیرنظامی پنتاگون عمداً و به دلایل سیاسی چیزی در این باره نمی‌گویند. چون نمی‌خواهند این جنگ بیش از این به مسئولیت سیاسی تبدیل شود؛ جنگی که آمادگی نظامی آمریکا برای مواجهه با بحران‌های آینده را متزلزل کرده است.» ارتش آمریکا پیشاپیش می‌دانست چنین بحرانی در راه است. «دریادار داریل کادل» (رئیس عملیات نیروی دریایی)، اواسط ماه مه به کنگره هشدار داده بود که فشار مالی در ماه جولای بروز خواهد کرد. یکی از افسران سابق نیروی دریایی می‌گوید: «کارشان تمام است... همه مهماتشان را شلیک کرده‌اند... کشتی‌هایشان به فنا رفته و پولشان ته کشیده است.»

فرسایش بی‌سابقه آمریکا
در جنگی که قرار بود پنج‌هفته‌ای باشد

روزنامه واشنگتن پست گزارش داد: از جنگی که ترامپ پیش‌بینی کرده بود چهار تا پنج هفته طول بکشد، شش ماه گذشته، اما هنوز نشانه‌ای از پایان آن دیده نمی‌شود. این جنگ به یکی از چالش‌های اصلی ریاست ترامپ تبدیل شده، محبوبیت او را کاهش داده و موقعیت آمریکا در خاورمیانه را تضعیف کرده است. ایران نیز نشان داده توان تحمل جنگ و وارد کردن فرسایش تدریجی به ارتش آمریکا را دارد. ترامپ اکنون در تلاش برای بازگشایی تنگه، میان محدودیت‌های اقتصادی و نظامی گرفتار شده است. نگرانی از تبعات اقتصادی و واکنش بازارها، دست او را برای تشدید تحریم‌ها بسته و در عین حال، پرهیز از گزینه‌های نظامی پرخطر نیز دامنه اقدامات را محدود کرده است.

با وجود ادعای واشنگتن، ایران همچنان مستحکم باقی مانده و قادر به حمله به پایگاه‌های آمریکا است. جنگ فراتر از خاورمیانه، توان و اعتبار راهبردی آمریکا را تحت تأثیر قرار داده است. کاهش شدید ذخایر تسلیحاتی پنتاگون، متحدان واشنگتن را نسبت به اتکای امنیتی به آمریکا محتاط‌تر کرده است. روسیه، جنگ ایران را نشانه تضعیف آمریکا تلقی می‌کند. نتیجه شش ماه جنگ این است که آمریکا نه‌تنها اهرم فشار اقتصادی، بلکه بخشی از قدرت بازدارندگی و نفوذ خود در خاورمیانه را نیز از دست داده است. سوزان مالونی، کارشناس روابط آمریکا و ایران در مؤسسه بروکینگز، می‌گوید ما در موقعیتی کاملاً ضعیف‌تر قرار داریم و نمی‌دانم راه جبرانی برای آن وجود دارد یا نه. پیامدهای جنگ بسیار فراتر از خاورمیانه احساس می‌شود.

وحشت از جهش جنون‌آمیز بهای جهانی نفت، وقوع رکود بزرگ اقتصادی مشابه دوران هربرت هوور و تهدید مستقیم تأسیسات انرژی عربستان و قطر، اصلی‌ترین مانع در مسیر تجدید عملیات تمام‌عیار بوده است. گزارش‌های اطلاعاتی دریافتی از متحدان منطقه‌ای به‌روشنی نشان می‌دهد که تحرکات گسترده‌ای برای گسترش دامنه نبرد، تحمیل هزینه‌های سنگین به آمریکا و اجرای عملیات‌های تهاجمی در خاک دشمن در حال سازماندهی است. فعال‌سازی این توانمندی موشکی و پهپادی دقیقاً در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای نوامبر، می‌تواند شوک فلج‌کننده‌ای به بازار انرژی وارد آورد.

نفیو: ادامه محاصره، ایده بدی است

در زمینه نابودی بودجه نظامی آمریکا، کاترین تامپسون، عضو مؤسسه کاتو گفت: بودجه آمریکا کفاف جنگ‌ها را نمی‌دهد. جنگ اوکراین و جنگ ایران، بخش قابل‌توجهی از ذخایر موشکی آمریکا را مصرف کرده است، از جمله حدود ۸۰ درصد رهگیرهای تاد و ۵۰ درصد رهگیرهای پاتریوت و موشک‌های تاماهاوک. بودجه‌های جدید نیز برای جبران این کمبودها کافی نیست و کنگره باید منابع نظامی آمریکا برای منطقه هند-آرام را حفظ کند. در این وضعیت بحران‌زده نظامی، ریچارد نفیو، مقام سابق وزارت امور خارجه آمریکا (معاون اصلی هماهنگ‌کننده سیاست تحریم‌ها) و پژوهشگر ارشد مرکز سیاست انرژی جهانی دانشگاه کلمبیا گفته است: ترامپ باید محاصره ایران را بردارد، تحریم‌ها را کاهش دهد و وارد گفت‌وگو با ایران شود. من فکر می‌کنم مهم‌ترین و اولویت‌دارترین ضرورت برای نه فقط نفت، بلکه چیزهایی مثل گازوئیل و کود شیمیایی است و، می‌دانید، تلاش برای به جریان انداختن آن‌ها. ادامه محاصره ایران ایده بدی است. باید در تحریم‌ها تخفیف بدهیم و بعد ببینیم بعد از آن چه اتفاقی می‌افتد و بفهمیم که آیا طرف مذاکره‌کننده قابل اعتمادی هستند یا نه.

شکست استراتژیک آمریکا
عمیق‌تر از این حرف‌هاست

«رئیس‌جمهور متوهم و وزیر دفاع بی‌کفایت، برای آمریکا یک فاجعه به‌بار آوردند. مردم آمریکا مقصر این شکست هستند که امور خود را به یک مجری تلویزیونی سپردند.» این ارزیابی را نشریه فارن پالیسی منتشر کرد و نوشت: تحلیلگران امنیتی در ارزیابی نبرد جاری در تنگه هرمز مسیر اشتباهی را در پیش گرفته‌اند و با تمرکز بر کاستی‌های لجستیکی، کمبود مهمات نقطه‌زن و ضعف در رهگیری پهپادها، یک شکست بنیادین استراتژیک را به خطاهای عملیاتی تقلیل می‌دهند. رفع این نواقص هیچ تغییری در ناکامی دولت آمریکا برای دستیابی به اهداف اولیه جنگ، یعنی تغییر رژیم، انهدام توانمندی‌های دوربرد و دگرگونی سیاست‌های هسته‌ای تهران ایجاد نمی‌کرد. پیامد مستقیم این فاجعه، اعطای آزادی عمل بی‌سابقه به تهران برای پیشبرد جاه‌طلبی‌های هسته‌ای، تثبیت کنترل بر شاهراه هرمز و اعمال نفوذ بیشتر بر کشورهای خلیج فارس است.

این شکست تاریخی نه در پنتاگون، بلکه در کاخ سفید رقم خورد و مقصر مستقیم آن حلقه مشاوران بی‌کفایت است. انتصاب پیت هگست به‌عنوان وزیر دفاع، به پاکسازی سیستماتیک فرماندهان ارشد و خفه‌شدن قطعی صداهای مخالف در ساختار نظامی منجر شد. در این فضای مسموم، هشدارهای واقع‌بینانه ژنرال دن کین، رئیس ستاد مشترک ارتش، در میان تملق‌گویی‌ها کاملاً نادیده گرفته شد. سپردن فرماندهی قدرتمندترین ارتش جهان به یک مجری برنامه‌های سرگرمی که توانایی پذیرش حقایق تلخ را ندارد و محتاج بله‌قربان‌گوها است، تبعات هولناکی در پی داشته است. اکنون که پیامدهای این فاجعه شرم‌آور از جهش قیمت جهانی نفت تا فرسایش منابع استراتژیک واشنگتن در حال گسترش است، یک واقعیت عریان خودنمایی می‌کند: هیچ سطحی از نبوغ نظامی نمی‌تواند یک ملت را در برابر پیامدهای ویرانگر انتخاب‌های اشتباهش در پای صندوق‌های رأی نجات دهد.

ایران، همان بلای کارتر را سر ترامپ می‌آورد

نشریه نیویورک‌پست در تحلیلی خاطرنشان کرد: ایران می‌خواهد ترامپ را به سرنوشت کارتر مبتلا کند. مفهوم زهرآگین «سورپرایز اکتبر»، ۴۶ سال قبل در کوران انقلاب اسلامی و بحران گروگان‌گیری متولد شد. کینه عمیق تهران از کارتر به دلیل پناه دادن به شاه مخلوع و اعمال تحریم‌ها، باعث شد تا جمهوری اسلامی با نگه داشتن گروگان‌ها تا روز تحلیف ریگان در ژانویه ۱۹۸۱، کارتر را تحقیر کرده و بزرگ‌ترین پیروزی سیاسی او را سلب کند. این دستکاری موفقیت‌آمیز در سیاست داخلی آمریکا اکنون در آستانه بازتولید است. انتخابات میان‌دوره‌ای ۳ نوامبر ایالات متحده، پنجره زمانی خطرناکی برای ماجراجویی‌های راهبردی تهران گشوده شده تا با تضعیف دشمنان خارجی، اهداف خود را محقق سازد. سپاه پاسداران با شناخت دقیق از گسل‌های سیاسی جامعه آمریکا، همواره به دنبال فرصت‌هایی برای نفوذ بوده است.

ایران تسلیم نمی‌شود چون آبدیده است

«چرا ایران تسلیم ترامپ نمی‌شود؟ چگونه تجربه جنگ هشت‌ساله، دکترین امنیتی ایران را شکل داده است؟» اندیشکده شورای آتلانتیک در پاسخ به این سؤال‌ها می‌نویسد: محاسبات حاکم بر ساختار قدرت در تهران بیش از آنکه متأثر از تعصبات مذهبی یا آرمان‌های آخرالزمانی باشد، در تجربیات سهمگین و فرسایشی جنگ هشت‌ساله با عراق ریشه دارد. نسلی از فرماندهان باسابقه سپاه پاسداران که در کوران حملات موج انسانی و بمباران‌های شیمیایی دهه ۶۰ آبدیده شده‌اند، اکنون زمام امور را در دست دارند؛ مردانی سرسخت نظیر محسن رضایی در دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی، احمد وحیدی در فرماندهی کل سپاه و محمدباقر قالیباف. حلقه پیرامونی رهبری جدید، آیت‌الله مجتبی خامنه‌ای، متشکل از همین چهره‌های انعطاف‌ناپذیر است. این نخبگان نظامی با خرید زمان و افزایش ه